

گویند و اول تاریک شدن آفتاب از جانب غربی است
 و همچنین انجلاء آن و اگر استقبال در حوالی یکی از دو عقده
 راس و ذنب باشد زمین میان ماه و آفتاب حائل شود و مانع گردد
 از استضاء قمر از شمس و وصول ضوء آن بوی و ماه برنگ
 خود تیره نماید اینجالترا خسوف خوانند و در کلی و جزئی و فوق الارض
 و تحت الارض هر چه در شمس ذکر شد در قمر نیز جاری است

جدول بیستم در بیان علامات این نظرات است

بدانکه در تقویم ارباب آن در جدول هر یک از کواکب هر نظری را
 که قمر با او است بر موز تقویمی در صفحه قمری رقم کنند بدین طریق
 نظر مقارنه را نون و با نویسد این قسم قدر و علامت
 نظر تدیس را دایره سین نویسد این طوری و علامت
 تریب را عین نویسد اینطور و نظر تثلیث را ثاء نویسد

بدون نقاط اینطور $\overline{\text{—}}$ و نظر مقابل و استقبال را لام نویسنند
 اینطور $\overline{\text{—}}$ و تحت الشعاع را ناء و عین نویسند اینطور $\overline{\text{—}}$
 و خروج الشعاع را جیم و عین نویسند این طور جمع و نیره را $\overline{\text{—}}$
 نویسند اینطور $\overline{\text{—}}$ و همبوط را طاء نویسند اینطور $\overline{\text{—}}$ و وبال
 گاه نویسند و اگر نویسند نخرج کنند و اوج را جیم منقل
 بگویند و غالباً این نظر را در صفحه ششمی در ضمن القالات
 نظریه مذکور سازند مثلاً اوج شمس را چنین نویسند $\overline{\text{—}}$
 و اگر در صفحه نهمی نیز ضبط کنند جیم تنها رقم اینطور جمع و مختصر

منزجاً نویسند جدول هشتم در بیان علامات
 ایام اربع و شهر و غیر آن است مخفی مبارک که ایام هفت
 را بحروف ایجد نگارند باین طور یکشنبه را ایف نگارند
 و دوشنبه را یک نقطه گذارند باینطور $\overline{\text{—}}$ و سهشنبه را جیم بدین

دایره شمائی نویسد اینطور ۴ چهارشنبه را اول تقویم
 نویسد این طور ۵ و پنجشنبه را باء هوز نویسد اینطور ۵
 جمع را اول نویسد اینطور ۶ و شنبه را زاء و رقم نمایند
 اینطور ۷ و علامت تاریخ ایام ماه را امروز سلخ در جدول
 عربی چنین نویسد اول آ دوم ۵ سوم ۴ چهارم
 ۳ پنجم ۵ ششم ۶ هفتم ۷ هشتم ۸
 نهم ۹ دهم ۱۰ یازدهم ۱۱ دوازدهم ۱۲
 سیزدهم ۱۳ چهاردهم ۱۴ پانزدهم ۱۵ شانزدهم ۱۶
 هفدهم ۱۷ هجدهم ۱۸ نوزدهم ۱۹ بیستم ۲۰
 بیست و یکم ۲۱ بیست و دوم ۲۲ بیست و سوم ۲۳ بیست و چهارم
 ۲۴ بیست و پنجم ۲۵ بیست و ششم ۲۶ بیست و هفتم ۲۷
 بیست و هشتم ۲۸ بیست و نهم ۲۹ سیام ۳۰ چون هر چه

بی درجه و هر درجه شصت دقیقه و هر دقیقه شصت ثانیه است
 لهذا اعداد درجات و دقائق و ثانیات را تا سی بدین علامت مذکور
 نویسند و از آن علامت سی که لام است ناشصت نیز همین
 قیاس نویسند یعنی لام که علامت سی است با الف که علامت
 یک است منضم کنند و بجای لفظ سی و یک نویسند باینطور
 لا و کذا الی سی و نه و چهل را هم نویسند باین طریق هر درجه
 با الف با و جیم و سایر اعداد معتدین کنند و بجای چهل و یک و دو
 و سه تا چهل و نه رقم کنند بدین طریق چهل و یک را تا چهل و ده
 چهل و سه تا چهل و چهار تا چهل و پنج صد چهل و شش سو
 چهل و هفت سو چهل و هشت مخ چهل و نه مط و پنجاه را
 رقم کنند باین نحو و پنجاه و یکرا فاء و پنجاه و دو صد
 و پنجاه و سه تا پنجاه و چهار نه پنجاه و پنج تا پنجاه و شش

پنجاه و هفت فن پنجاه و هشت نخ پنجاه و نه نبط
 جدول هشتم در ذکر علامات بروج و کواکب است
 بدانکه علامت کواکب سیاره حرف آخر هر کوهی است علامت
 قمر را او نویسد بدین طریق ر و عطار در احوال تقویمی هم
 زهره را طاء ه شمس را ن مریخ را فاء ح شنبه را
 یا معکوس سے زحل را لام ل و در صفحه قمری در جدول
 انتقالات یعنی بیرون آمدن قمر از برجی و دخول در برجی دیگر
 چنین رقم کنند مثلاً در آخر صفحه سابق تقویم رقم زده که در
 فلان روز از فلان ماه قمر در برج میزان بوده و در این صفحه رقم
 اول در جدول انتقالات نوشته بجاعت چهل و نه دقیقه
 شب یازدهم و این طور امطل در برج عقرب میرود و الف علامت
 بجاعت بیستم و طاء علامت چهل و نه دقیقه لام علامت سیل و در

جدول بروج نوشته زابدين طريق ز علامت برج
 عقرب است اين و نم نظر باين علامتها و جدوها خوانده ميشود
 که قمر از برج میزان مستقل شده با اول برج عقرب یک است
 و چهل و نه دقیقه از شب گذشته و علامت بروج در جدول
 آنها اين است حمل با که بمعنی صفر است و علامت ثور
 الف آ علامت جوزا نقطه باين طور • و علامت سرطان
 سیم بی نقطه اينطور ح علامت اسد و ال تقوی
 اين طور ع و سنبه با اينطور ه و میزان و او
 باينطور و عقرب ز او باينطور ز قوس عا و حلی
 تمام اينطور ح و جدی ط و این طور ط و لویا
 معکوس س و علامت حوت را اين طور نویند
 ما و در صفحه قمری بعد از جدول بروج قمرش جدول

اسامی کواکب دیگر است باین لفظ بالشمس بر محل
 بالمشتري بالمریح بالزهره بعطارد یعنی نظرات
 قمر هر یک از اینها و هر نظر که قمر را در مدت ایام هر ماهی
 با آنهاست در جدول هر یک مسپسکارند مثلاً در جدول
 شمس نوشته ط ۵ ل ثا و بلا نقطه چنانچه مذکور شد
 علامت تثلیث و طاء اشاره بعد دو ساعات که ز باشد
 و با و باء اشاره بپانزده که عدد و قایق و لام اشاره بیکل است
 و از طرف راست مقابل آن نظر رقم سه شنبه و تاریخ
 بیت هفتم است خوانده میشود تمام عبارت رمزی
 با انضمام تاریخ تثلیث قمر با شمس شب سه شنبه بیت هفتم
 ماه فلان و اگر خواهیم بدانیم که از چه زمان قمر را نظر تثلیث
 با شمس حادث شده نظر بصورت شمس میکنیم و محل شمس را

از حیث درجات و بروج بدست آورده پس بعد بین
 الکوکبین را تخمین یا تحقیق نموده اگر صد و بیست و دو درجه از یکدیگر
 دوری دارند حکم بصحت رنم ارباب تقویم مسیما بنیم زیرا
 که مدت دوره فلک فاصله است و نظر تثلیث واقع است
 و الاغلا و هكذا در مقارنه و مقابله و ترمیم و سایر نظرات فنیست
 همان المطلب دقیق و حکم تنقیح نظرات در سایر سیارات
 نیز همین طریق است جدول نهم در احوال نظرات
 مذکوره بدانکه انسان کامل در امور خود بعد از تقویض و
 توکل در حضرت حق جل شانہ باید ملاحظه کند ساعات را از
 حیث سعادت و نحوست زیرا که همه کارها در هر وقتی مناسب
 نیست پس می باید تحقیق کند از روی قواعد احوال و احکام
 هر یک از کوکب که در چه حال اند و کدام اثر را دارند و با چه

سخنمین و علماً آن فن شریف این جزئیات را ملحوظ داشته
 و در محاش بیان کرده اند گویند شتری سعدا کبر است و زهره
 سعدا صغرو زحل نحس اکبر و مریخ نحس اصغر و شمس و قمر که نظر
 تثلیث است پس با هم دارند سعدند و در مقابله و تزییع و مقار
 رت نحس و علامه طوسی علی الله مقامه فرماید در مقارنه بالذات
 سعد و است و عطار و با نحس نحس و با سعد سعد و اس سعد است
 و ذنب و کید نحس از برای طاقات ملوک مثلاً هرگاه قمر در
 مشد آبی باشد نیک است بشرط آنکه نظر تثلیث با تزییع
 باشد با شمس و الابد است پس اگر کسی ملتفت این نکات
 نشود و با حکام اعمتانی نماید و ضرری در اقدامات خود
 ببیند طاعت نکند جز خود را و از اخبار بیم میسوان میباید
 این معنی استنباط نمود و در ورق آخر تقویم احکام نظرات

قمر را با هر یک از کواکب می نویسند و در وبال و هبوط و حنیض
 و تحت الشعاع و در برج عقرب که از اطرقت خوانند به شرح
 مناسب نیست بودن قمر را در هر یک از برج با احکام
 آن از حیث سعادت و نحس است و توسط در صفحہ اول و دوم
 تقویم که شرح نجومی آفتاب به برج حمل مطابق زجیات
 و احوال سال رومی نویسد و در جدول می نگارند و
 علامت سعد را در اول تقویمی نویسد باین طریق
 و نحس را به هم وسط را ط و چون در دورۀ فلک
 بیت و هشت قسمت کرده اند بواسطه اختلافات اثناری
 که دیده اند و هر قسمتی را مشرلی نام نهاده اند که قمر هر مشرلی را
 شبانه روزی سیر میکند اگر معتدل باشد در سیر و اگر
 سرعت و بطوع داشته باشد یکروز زیاد تر یا کمتر طی میکند

لهذا همای منازل را در تقویم در جدول مخصوصی نوشته
 اند و در جدول متصل باین علامت سعد و نحس آن منزل را
 نگاشته اند و پس را علامت از برای سعد و آن
 را علامت نحس قرار داده اند و جدولی دیگر باین جدول
 متصل است که در آن ساعت و دقیقه انتقال قمر باین
 منزل نحس معین کرده اند تا بسینده ملتفت باشند وقت
 شایسته را از برای اقدام در امورات دنیوی و خستیار
 نماید. جدول دهم در صفحه قمری سه جدول دیگر
 متصل اند بجهت دانستن شهر و رومی و روستی و ترکیه
 که دانسته شود فلان روز از فلان ماه عربی مطابق با کدام روز
 از فلان ماه ترکیه و چندم آن است تا دانستن آن دو ماه
 اول شمسی ندارد مگر از برای اهل آن و ماه ترکی را فهمیدن از

برای دانستن محل ستاره سکر لیدوز بغایت نافع است و
 این کوکب نحسی است در نهایت درجه نحوست گویند اگر
 کسی بخواهد از برای سفر یا نقل مکان از جای خویش حرکت
 نماید یا پی کاری رود باید ملاحظه کند که این ستاره نحس رود و
 نباشد که جز زیان در مقصود نخواهد دید و در ورق آخر تقویم
 جدولی کشند و جهات از اربعین نمایند بدین طریق اول و
 یازدهم و بیست و یکم سمت مشرق است و دوم و دوازدهم
 و بیست و دوم مابین مشرق و جنوب است و سوم و سیزدهم
 و بیست و سوم طرف جنوب است چهارم و چهاردهم و بیست و چهارم
 چهارم مابین جنوب و مغرب است پنجم و پانزدهم و بیست و پنجم
 جانب مغرب ششم و شانزدهم و بیست و ششم مابین مغرب
 و شمال است هفتم و هجدهم و بیست و هفتم طرف شمال است

هشتم و نهم و دهم و یازدهم و بیست و هشتم مابین شمال و تحت الارض است
 نهم و نوزدهم و بیست و نهم تحت الارض است و دهم و بیستم
 و سی ام که سلج باشد فوق الارض است این ستاره
 سزیدوزیرشش دور افق است و در مدت بیست و هفت روز
 یک دوره را طی کند جدول یازدهم بدانگونه
 صفحه قمری بعد از جدول تاریخ ترکی جدولی رسم نموده اند
 و در آن نسبت قمر را رقم کرده اند و تحقیق نسبت آن است که حکما
 هفت دوری نهاده اند که بر هفت قسمت میگردد و هر قسمتی
 را یکو کبی از سیارات سبعة و اده اند و آنرا نسبت آن
 کوکب نامیده اند و مدت نسبت هر کوکبی دو ازرده ساعت باشد
 است پس مدت دوره هفتاد و چهار ساعت زمانی شود و ساعت
 زمانی مقابل ساعت مستوی است و مراد از آن دو قسم

ساعت آن است که حکمای روم و فارس بیان کرده اند که
 اگر شبانه روز را مجموعاً به بیست و چهار قسم مساوی کنند
 و آن اقسام را ساعات مستوی گویند و نیز معتقدند خوانند
 پس اجزاء هر ساعت مستوی ربع شد پس دوره فلک است
 که پانزده درجه معدل النهار باشد و اگر هر یک از قوس النهار
 و قوس اللیل آفتاب را جداگانه بدوازده قسم مساوی کنند
 و آن اقسام را ساعات معوجه و زمانیه گویند زیرا
 که بطول و قصر روز و شب تغییر و طویل شوند پس نسبت هر
 کوبی را دانستی مراد چیست که در تقویم می نویسند و در تقویم
 حالتیه غیر از نسبت قمر چیزی از کواکب ضبط نمی کنند چو عمده
 تاثیرات در آن است جدول دوازدهم بدانکه
 در همین صفحه قمری جدولی مستقل بجدول نسبت رسم کنند و

در آن توفیقات یعنی وقایعی را که در ایام ماههای عربی درومی
 و فرسی و موضع بودن آفتاب بر درجه برجی اتفاق افتاده از حیث
 ولاد است و قیامت بزرگان دین و غیره که مراعات هر یک از آنها
 محل اهتمام نام است مندرج سازند و مانیر بعضی از وقایع آن
 اوقات را که وقوعش در ایام ماههای عربیت در اینجا ذکر میکنیم
 و باقی را در جدول آخر صفحه اولی مفصلاً مکتوب نمائیم ابتدا از ماه
 مبارک رجب المرجب که اول شهر شکر است مینماییم
رجب المرجب دوم این ماه ولادت امام دهم علی نقی
 سلام الله علیه سوم بیدارگشت که شب جمعه اول رجب است
 چهارم وفات امام علی نقی ۴۰ پنجم شهادت حضرت کاظم سلام الله
 علیه ششم میلاد حضرت مسیح ۴۰۰۰ هجری ولادت امام محمد تقی سلام
 الله علیه سیزدهم مولود امیر المؤمنین سلام الله علیه پانزدهم

عمل استفتاح بیت سوّم شهادت حضرت کاظم علیه السلام
 بیت چهارم شهادت حضرت صادق سلام الله علیه بیت و
 پنجم لیلة المعراج شعبان المعظم سوّم ولادت حضرت سید
 الشهدا سلام الله علیه پنجم ولادت امام زین العابدین علیه السلام
 پانزدهم شب برات شانزدهم مولود مسعود امام محمد مهدی
 عجل الله فرجه رمضان المبارک سوّم وفات حضرت
 صدیقه طاهره سلام الله علیها چهاردهم ولادت امام محمد
 سلام الله علیه پانزدهم ولادت امام حسن سلام الله علیه
 نوزدهم ضربت زدن ابن ملجم ملعون بر فرق مبارک سر علی
 امیر المؤمنین بهنگام نماز صبح و شب گذشته این روز اول
 شبهای قدر است بیت و یکم شهادت امیر المؤمنین
 بیت و هفتم شب این روز موافق قولی شب قدر است

سؤال المکرّم اول عید فطر یازدهم غیبت حضرت قائم

سیزدهم شق القمر نمودن حضرت قائم انبیاء

ذی القعدة الحرام دهم وفات امام محمد تقی سلام الله علیه

یازدهم ولادت حضرت رضاء سلام الله علیه دوازدهم

ولادت حضرت یوحنا بیست و نهم وفات امام محمد تقی بقولی

ذی الحجة الحرام ششم شهادت امام محمد تقی سلام الله علیه

هشتم یوم الترویبه نهم روز عرذ است دهم عید اضحی یازدهم

اول ایام شریف چهاردهم ولادت امام محمد تقی علیه السلام

پنجاهم عید غدیر خم بیست و چهارم یوم المبابله و روز قائم نجفی

بیست و ششم رحلت خلیفه ثانی محرم الحرام اول ایام

معلومات نهم روز تاسوعا است در این روز اجتماع لشکر پر سید

شد و کربلا دهم عاشورا یازدهم ولادت حضرت یحیی دوازدهم

وفات سید سجاد سلام الله علیه هیفدهم وفات سید سجاد

سلام الله علیه و بیست و چهارم نیز نقولی صفر المظفر

اول است در وقت صغیرین سوّم ولادت امام محمد باقر علیه السلام

هفتم وفات فاطمه زهرا سلام الله علیها هشتم ولادت حضرت

موسی بن جعفر سلام الله علیهم هیفدهم شهادت حضرت رضا سلام الله

علیه بیستم واقعه اربعین در کربلا بیست و هشتم وفات رسول خدا

صلی الله علیه وآله و شهادت حسن مجتبی سلام الله علیه

ربیع الاول بیستم وفات امام حسن عسکری سلام الله علیه

سیزدهم ولادت با سعادت رسول خدا صل الله علیه وآله و سلم

هیفدهم نیز نقول مشهور هجدهم قتل سحبی ابن زکریا علیه السلام

و ولادت حضرت صادق سلام الله علیه و سبلا و مریم رضا

بیست و پنجم فارشتن در کوفه ربیع الثانی

چهارم ولادت امام حسن مکرری سلام الله علیه چهاردهم
فرض نماز یومیه جمادى الاخرى سوّم وفات صدقیّه

ظاهره فاطمه زهرا سلام الله علیها بقولی نوزدهم ولادت

فاطمه زهرا سلام الله علیه بیت دیکم رحلت خلیفه اول

بیت نهم ولادت امام محمد باقر سلام الله علیه و آنچه را که ما ذکر

کردیم محض توقیعی است که در تقویم ضبط میکند و اگر بنا بود

تمام وقایع ایام بسند را مفصلا استقصا کنیم و بجزیره از وضع

خود خارج می شد و سخن بطول می انجامید و اگر کسی خواهد کلیه

وقایع بسند را بطول حاصل نماید رجوع کند بکتاب

مؤلفه بعضی از علماء و اعلام رضوان الله علیهم و

کتاب اهل تاریخ که مفصلا نوشته اند در هم تقویم چنان است که تو

قیعات را مقابل تاریخ هر روزی در جدول خود ثبت میکنند با

اشاره بانکه این واقع در روز اتفاق افتاده باشد و مطابق
 کدام یک از ایام هفته بوده مثلا مبعث پیغمبر را محاذی روز نسبت
 به هفتم رجب می نویسند یا بنظر بن مبعث پیغمبر که و لام اشاره
 شب است و بار تقویمی اشاره به پنجم و قس علی هذا سائر
 التوقعات و اگر چه استعمال لفظ توقعات در این مقام عاری
 است از جهات صحت هم در لغت و هم در اصطلاح ولی چون
 مصطلح در باب تقویم شده لهذا ما نیز تجاوز ننمودیم
 جدول سیزدهم بدانکه بعد از جدول توقعات جدول
 کشند و در آن کف الخشب را بنویسند که در چه ساعتی بدانه
 نصف النهار رسد زیرا که در آنوقت هر دعائی مستجاب
 شود بغیر از دعای ظالمان و کف الخشب را در اصطلاح منجمین
 ذات الکرمی گویند و آن سنارگان چندی است در

فلک البروج که هر گاه مابین آنها بخطوط فرضیه متصل شود صورت
 زمانی حاصل گردد که برسد کرسی نشسته و خضاب کف است
 و علامتیکه ارباب تقویم در جدول کف الخضیب مینویسند
 اولی اشاره باعث است دوم بدقیقه و سوم بروز یا شب
 اگر کف الخضیب بدائرة نصف النهار رسد ساعت دو
 و چهل و پنج دقیقه از روز با این طریق نویسند . م و
 نقطه اشاره باعث میم و دال تقویمی بدقیقه وراء بروزی که
 در جدول تاریخ ایام عربیه نوشته شده
 جدول چهارم و هفتم بدانکه از جمله جداول مرسوم
 در صفحه قمری جدول مزاجات است که در آن جدول مزاج
 قمری در آن درجه از هر برجی بیان میگینند باین طریق
 علامت بعد و علامت میانه و علامت

وسط است و جدولی دیگر در آن صفحه است که رباط قمر را معین
 میکنند و نیز جدولی متصل بآن جدول است که در آن منازل
 و براز این رباطات معین کنند و تحقیق رباط و منازل آن بر سبیل
 اجمال آن است که جمله از بهترین مهتد عادت شدن و کیفیت
 رطوبت و یوست را قائم شمس رباط و اندوود اصطلاح
 خود از آخر خوانند و گویند در رباط اول شمس منزل است
 شَرَطَیْن و طَرَف و جِهَه و قَلَب و ثَوَلَه و مُقَدَّم و در رباط
 دوم هفت منزل است بَطَیْن و نَثَرَه و زُبْرَه و اِکْلِیل و نَعَام
 و اَجِیْبَه و مَوَاقِر و در رباط سوم پنج منزل است ثَرَبَا و ذِرَاع
 و صَرَفَه و زَبَانَا و بَلَدَه و در رباط چهارم شمس منزل است
 دَبْرَان و مَهْفُومَه و عَوَا و غَمْر و ذَابِح و عَوُد و در رباط پنجم دو
 منزل است هِنَعَه و بَلَع و در رباط ششم نیز دو منزل است

سماک در شایس پس مجموع منازل بیت و شش است
 و گویند منازل هر یک از رباطات یکدیگر ناظر اند و ازین
 جهت اثر رباط را اثر نظر دانستند و اعتقاد ایشان چنانست
 که هر گاه قمر در منزلی باشد از رباطی و گوئی در منزلی دیگر باشد
 از آن رباط یکدیگر ناظر باشند و از طول قمر و سایر کواکب
 در منزلی که در یک رباط و یک طبع باشند استدلال بر او
 هوا کنند از حیث رطوبت و یبوست و گویند که چون قمر در منزلی
 رطب باشد از رباطی و شمس در منزلی ربی دیگر از آن رباط
 دلیل باران باشد در وقتش و اگر در منازل یابس باشند از
 یک رباط و دلیل یبوست هوا باشد در هر حال و گویند
 منازل رطب یازده است در آن و ذراع و چهره و صفره و خمر
 و زبان و قلب و شوله و ذراع و مقدمه و خمره و منازل یازده

هشت اند بطین هغه طرفه اکلیل بلده سعود اجنبیه رشا
 و منازل میانہ منزل باقی مانده است و در تقویم بعد از
 جدول رباطات و منازل جدولی متصل قرار دهند و سعادت
 و نحوست هر یک از این منازل را بر مزیان کنند بین بنظر
 حس یعنی سعد و نون با بنظر آن یعنی نحس و در تفاوتیم بول
 ایام در این جدول بجای سعد و نحس بیوست در طوبت و میان
 بودن را بر منر حس و ط و سه بیان میگردند و متصل باین
 جدول سعد و نحس جدولی کشند و در آن انتقالات قرار از
 منزل نحس نویسند تا شخص بداند چه وقت سزاوار است
 از برای اقدام بر امری جدول پانزدهم
 بدانکه در صفحه قمری جدولی قرار دهند و در آن نشیروجه
 طالع را ثبت کنند و مقصود از این جدول آن است که

اهل نجوم تصور کرده اند حرکت نقطه را از منطقه البروج در صورت
 طالع بر توالی و اهل احکام گویند که آن عبارت است از
 رسیدن اثر و لیل اول بدلیل ثانی تا از امتزاج و لیلین
 یکی از حوادث واقع است لال حاصل شود و نزد ایشان
 تسیر است پنج نوع است از آن جمله تسیر تحویل است
 که درجه طالع تحویل یا موضع کوکبی را که در صورت طالع باشد
 هر شبانه روز نگاه و نه دقیقه و هشت ثانیه بمقدار حرکت وسط
 شمس که نه سرعت و نه بطی داشته باشد حرکت دهند
 و بعد لیلی از دلائل اصلیه که رسد حکم بر امری از حوادث
 نمایند و فرض از دلائل اصلیه مراکز بیوت اثنی عشره مواضع
 جرم و تعاضات هر یک را کوکب سیار و وجایهای هر یک
 از دو عقده را پس در دنب است مخصوص تسیر درجه